ادامه از صفحه اول

هزینه‌های اقتصادی افراطی‌گری سیاسی

در ایـن میان اعتمـاد جایگاه ویـژه‌ای دارد و دارای ابعاد گسترده‌ای است. اعتماد مردم به مردم، اعتماد مردم به دولت و اعتماد دولت به مردم نقشی بی‌بدیل در کاهش هزینه‌های جامعه ایفا می‌کند. از سـوی دیگر اعتماد مردم به دولت نیز نقشـی غیرقابل انکار در اجرای موفقیت‌آمیز سیاسـت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگـی دولت ایفا می‌کند و از این‌رو هزینه‌های سنگین اجرای ناموفق برنامه‌های اقتصادی دولت را از میان می‌برد. به‌عنوان مثال در سال‌های گذشته توصیه‌ها و سیاست‌های بانک‌مرکزی در بازار سکه و ارز هیچ‌گاه از سوی فعالان بازار جدی گرفته نشـد که خود نشان از بی‌اعتمادی فعالان بازار به سیاست‌های بانک‌مرکزی در سال گذشته بود و حتی در بسیاری از مواقع توصیه‌های بانک‌مرکزی نتیجه‌ای عکس داشـت. درواقع بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی به دولت منجر به عدم کارآیی سیاست‌های اقتصادی دولت شده بود.

۵- با این توصیف، می‌توان حکم کرد شـرایط سیاسـی کشور و برخی هیاهوها متاسفانه به‌طور مستقیم به وضعیت سرمایه اجتماعی گره خورده است. با توجه به اینکه معیشت بسـتر پیروزی دولت اعتدال بوده مسلما هرگونه سیاه‌نمایی از سیاسـتگذاری‌ها وبرنامه‌های دولت در این زمینه می‌تواند سرمایه اجتماعی را دچار نقصان کرده و بی‌اعتمادی حاصله، خسـارت‌های فراوانی به اقتصاد کشور وارد کند. به طور مثال هیاهوهای سیاسـی برسر سـبد کالا و همچنین همزمان با ثبت‌نام یارانه‌ها طرح موضوع برگزاری جشـن توسط همسر رییس‌جمهـور و یا مـوارد دیگر موجب شـد تـا در فضای بی‌اعتمادی ایجاد شـده، درصد کمی از مردم از دریافت یارانه منصرف شوند که با یک حساب ساده می‌توان خسارت چندین میلیاردی این فرآیند را محاسبه کرد. بدیهی است ادامه پروژه «بی‌اعتبارسـازی دولت» و به عبارت علمی‌تر تلاش برای افول سرمایه‌اجتماعی دولت می‌تواند فرآیند سیاستگذاری اقتصادی را بـا چالش جـدی مواجه کند. بنابرایـن حرکت‌هایی که از افراطیون سیاسی سرمی‌زند، تخریب‌کننده و موجب نقصان سـرمایه اجتماعی می‌شـود. در این فرآیند، بی‌حرمت‌شدن قانون، بی‌ثباتی سیاسـی و اقتصادی، تغییـرات مداوم قواعد و رویه‌های رسمی، فسـاد، بی‌صداقتی و اقداماتی که موجب شـکاف بین جامعه و دولت یا بین گروه‌های سیاسی و حتی بین افراد می‌شـود، زمینه‌های تضعیف سـرمایه اجتماعی را فراهم می‌کند.

تندروی، سد راه آرامش و امنیت جامعه

کسی هم از این مخالفان نمی‌خواهد که به موافقان دولت بپیوندد، بلکه انتظار می‌رود افراطی‌گری را وانهند و مانند کسانی که قواعد بازی را در میدان رقابت‌ها رعایت می‌کنند، عمل کنند. انتقاد خوب اسـت، بسیار هم خوب است، اما شرایط انتقادکردن با شرایط مشکل‌آفرینی متفاوت است. سیاسیون راست می‌توانند به مذاکرات هسته‌ای انتقاد داشته باشند، انتقادات خود را بدون ایراد تهمت و افترا بنویسند و منتشر کنند یا در جلسات خصوصی با مقامات ذی‌ربط در میان گذارند. سیاسیون چپ می‌توانند انتقادهای خود را از شیوه رفتار اقتصادی یا تعاملات سیاسی دولت یازدهم با متانت تمام در رسانه‌های خود منتشر یا در جلساتی که با دوستان خود در دولت دارند مطرح کنند.

اگر افراطیون از شـیوه تخریبی خود دست بردارند و هـر نقطه‌ضعفی را برای کوبیدن همه اعضای دولت، بهانه قرار ندهند، زمینه گفت‌وگوهای همه‌جانبه و سازنده بین گروه‌های سیاسـی، اعم از مخالف و موافق فراهم می‌شود. امـروز روز گفت‌وگوکردن اسـت، نه همچون سـال‌های گذشته که سیاست «بگم‌بگم» یک پایه مجادلات سیاسی بود، از برخوردهای محبت‌آمیز فرار کردن. اقلیت راه درستی را برای اعمال سیاست‌های خود انتخاب نکرده است. مردم به‌درسـتی می‌فهمند که برگزاری یک مراسـم فرهنگی، مذهبی برای بزرگداشـت یاد حضرت زهرا(س) توسـط نزدیکان رییس‌جمهور نمی‌تواند بهانه مناسـبی باشد که به‌وسیله آن حامیان سینه‌چاک احمدی‌نژاد، دولت یازدهم را بکوبند و تضعیف کننـد. زیرا همگان نیازمند آرامش و امنیت فردی و اجتماعی هسـتند و اینگونه بهانه‌جویی‌ها وقت طرفین را برای خدمتگزاری بیشـتر هدر می‌دهد و دودش به چشـم مردم می‌رود. اگر کسی بخواهد آرامش مردم و امنیت روحی، روانی جامعه را به هر بهانه‌ای به‌هم بریـزد و اسـم آن را انتقاد به یک مقـام بلندپایه بگذارد، سنگ‌روی‌سنگ بند نمی‌شود. بدون شک کسانی که فقط به منافع خود و باند و گروه خود می‌اندیشند و هرروزه یک موضـوع کم‌اهمیت را مهم جلوه می‌دهند و روی آن مانور تبلیغاتـی دارند تا ناراحتی خـود را از ناکامی در انتخابات خرداد ۹۲ بروز دهند، نه‌تنها موفقیتی کسب نکرده‌اند بلکه برای همیشه شکست خورده‌اند. چنانچه این فرض روشن را قبول ندارند که صبر کنند، تا انتخابات سال آینده برای مجلس دهم، شانس خود را امتحان کنند.

آقای فرهاد موسوی اسدزاده
کارشناس امور بیمه شدگان شعبه شهرری

سازمان تأمین اجتماعی

نظر بـه اینکه پرونده اتهامی شـما بـه دلیل غیبـت غیرموجه متوالی از تاریخ ۹۲/۱/۱۵ تاکنون در هیات بـدوی شـماره یک رسـیدگی بـه تخلفات اداری سـازمان مطرح گردیده اسـت، لذا بدینوسـیله مراتب قانونا به شما ابلاغ می گردد.
مقتضی است حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشـار این آگهی دفاعیه کتبـی خود را بـه انضمام یک قـطعه عکس ۴×۳ بـه هیات مذکور بـه نشانی تهران، خیابان آزادی، ابتدای خیابان خوش شمالی، کوچه شهید زارعی راستگو، پلاک ۲۷ ساختمان شماره ۲ سـازمان تامین اجتماعی ارسال نمائید.

سازمان تأمین اجتماعی

م/الف ۵۶۲

هشدار محمدرضا خاتمی در گفت‌وگو با «شرق»:

در دام تبلیغی «جدایی اصلاح‌طلبان از دولت» نیفتیم

عکس: مهدی حسنی، شرق

مهسا امرآبادی

نیازی به معرفی محمدرضا خاتمی نیسـت. نه به‌دلیل آنکه برادر رییس‌جمهوری پیشین ایران است، به‌دلیل آنکه کارنامه خودش به اندازه کافی معرف اوست. مصاحبه با محمدرضا خاتمی مصاحبه دلپذیری است، چه آنکه برعکس مد این روزهای فعالان سیاسی، نمی‌خواهد یک‌بار دیگر مصاحبه‌اش را بخواند و در آن دست ببرد. روی آنچه در مصاحبه می‌گوید، می‌ایستد و لازم نیست چندین بار متن گفت‌وگو را برایش ارسال کنیم که در این زمانه که تقریبا همه فعالان پیش‌شرط قرائت مصاحبه را قبل از انتشار می‌گذارند، فرصت طلایی محسوب می‌شود. از آخرین مصاحبه‌ام با او دو سال می‌گذشت و در آن مصاحبه حال آن روزهایش را پرسـیده بودم و او در پاسـخ گفت که حالش بسیار خوب است! این‌بار بعد از دوسال به سراغش رفتم و همان سـوال را پرسـیدم. هرچند اوضاع متفاوت از دو سال گذشته بود و دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان روی کار آمده است اما با این حال خاتمی می‌گوید که باز هم حالش خوب است اما افزایش توقعات هم باعث کمی ناراحتی و شاید انتظار می‌شود. خاتمی را می‌توان از شخصیت‌های تاثیرگذار جریان اصلاح‌طلبی دانست که روی تصمیمات این طیف تاثیر می‌گذارد اما خودش معتقد است این بدنه اصلاح‌طلبان هستند که تصمیم نهایی را می‌گیرند و به سران منتقل می‌کنند. او می‌گوید اصلاح‌طلبان در برابر دولت می‌توانند گذشت داشته باشند اما اینگونه هم نیست که اگر انتقادی از عملکرد آن داشته باشند، آن را عنوان نکنند. آنچه در پی می‌آید متن مصاحبه «شرق» با سیدمحمدرضا خاتمی است:

فضای فعلی جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فکر می‌کنم فضای عمومی جامعه را باید به دو دسته تقسیم کنیم؛ فضای نخبگان و فضای عموم مردم. در فضای نخبگان هم تفاوت‌های زیادی دیده می‌شود. در عرصه نخبگان فرهنگی و هنری تحولات نسـبتا خوبی به‌وجود آمده و امیدها زیاد است و راه‌های گشوده‌شـده، راه‌های قابل توجهی اسـت. در عرصه سیاست خارجی تحولات جدی دیده می‌شود و گام‌های رو به جلو برداشته شده که امیدوارکننده است، در سطح دانشگاه‌ها با وجود همه فشـارها که روی دولت و وزارت علوم وجود دارد، گام‌های منطقی و خوبی برداشـته شده اما در عرصه سیاست داخلی هنوز توقعاتی که سال گذشته بود، برآورده نشده است. همه ما تنگناهای دولت را می‌شناسیم. نمی‌گویم باید تعجیل داشـت یا دیر شده است اما به هرحال تحول عمده‌ای صورت نگرفته و اگر بخواهیم بدبینانه نگاه کنیم باید گفت شاید پارسال در همین روزها (در آستانه انتخابات) کمی فضای سیاسی بازتر بود. اما واقع‌بینانه نگاه کنیم باید تاکید کرد که شـاهد تحول بزرگی در عرصه سیاسـت نیسـتیم. در عرصه عمومی دولت روحانـی وارث خرابه‌ای اسـت که همه بار آن روی دوشـش سنگینی می‌کند. گرانی‌ها اذیت می‌کند و بار تورم روی دوش مردم سنگینی می‌کند. درسـت است که دولت موفق شده از رشد تورم جلوگیری کند اما تورم ۳۰درصدی برای مردمی که پس‌اندازی ندارند و باید روزمره سـپری کنند، سنگین است. نمی‌دانم به چه دلیل ارتباط دولت با مردم کم است. یعنی به هر دلیل به مردم نمی‌گوید در طول هشت‌سال گذشته چه زلزله‌ای در عرصه اقتصاد کشور اتفاق افتاده که به ساختار و زیربناها و پایه‌های اقتصاد کشور آسیب زده است. وقتی این مشکلات را با مردم در میان نگذاریم، دولت مستقر باید جوابگوی مشکلات و مسـایل باشد. لازم اسـت دولت درباره این موضوع تدبیری دیگر کند و بتواند آگاهی کامل نسبت به آنچه تحویل گرفته و کارهایی که در دست اقدام است را به مردم منتقل کند. دولت در زمینه رسانه و ارتباط با مردم در تنگناست و البته به نظرم خود دولت هم همت کافی برای این کار ندارد. فکر می‌کنم اگر دولت تدبیری جدید اتخاذ نکند و تصمیم جدیدی نگیرد، با این هجومی که از سوی مخالفان وجود دارد در آینده باید نگران بود که دیدگاه مردم به دولت چه تغییراتی خواهد کرد.

معتقدید دولت باید با بدنه جامعه ارتباط بهتری برقرار کند؟

مسـاله اصلی برای مردم کشـور مساله معیشت و اقتصاد است، دولت نتوانسته است کارکردهای خود را به مردم بگوید و نتوانسـته مسـبب اصلی وضعیت موجود را به مردم معرفی کند. ممکن اسـت بخشی از آن بزرگ‌منشی و بزرگواری باشد و می‌خواهنـد بگویند نباید انتقام گرفت، در صورتی که اینجا مساله انتقام‌گیری نیست بلکه آگاهی‌بخشی است. شنیدم برخی از دولتمردان قبلی به تدوین و نگارش نامه و انتشـار آن روی آورده‌اند و دولت روحانی را مسبب همه بدبختی‌هایی نامیده‌اند که از این‌پس مردم با آن مواجه خواهند بود. بنابراین دولت باید ارتباط خوب و معناداری با توده‌های مردم برقرار کند.

بزرگ‌ترین دستاورد دولت در این مدت چیست؟

بزرگ‌تریـن کار دولت حاکم‌کردن درجاتی از عقلانیت و تدبیر و جلوگیری از آسیب به کشور است.

ایـن دولت را برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان می‌دانند، با این حال دولت متبوع و به معنای دیگر دولت آنها قلمداد نمی‌شود. حمایت اصلاح‌طلبان از آقای روحانی تا چه مرزی ادامه دارد؟

ویژگی اصلـی اصلاح‌طلبان در شـرایط فعلی، واقع‌نگری آنهاسـت. ما به ظرفیت‌ها و موانع کشور آگاه هستیم بنابراین توقعـات را بـه آنچه ممکن اسـت محـدود کرده‌انـد، نه به آرمان‌خواهی‌ها به همین دلیل در شرایط موجود فکر می‌کنند که با تمام قوا باید از دولت حمایت کنند. به‌خصوص زمانی که دولت در مسایل اصلی مورد هجوم واقع شده است؛ یعنی دولت تلاش می‌کند اقتصاد کشـور را بهبود ببخشد، تلاش می‌کند سیاسـت خارجی را اصلاح کند، تلاش می‌کند گشایش‌های اجتماعی ایجاد کند و می‌بینیم در این موارد بیشترین هجمه‌ها به دولت می‌شود بنابراین وظیفه ما این است که دفاع منطقی و مستدل از دولت داشته باشیم. اما به این معنا نیست که اگر انتقادی داریم، آن را بازگو نکنیم یا در ارتباطاتی که محدود یا نامحـدود با ارکان دولت وجود دارد یا حتی در رسـانه‌ها، آنها را عنـوان نکنیم امـا اهم و مهم دارد. بـه این معنا که ممکن است زمانی اشـتباه یا کم‌توجهی دولت موجب آسیب‌پذیری کشور شود که در این موارد ما موظفیم همه تلاشمان را برای جلوگیری از آن به‌کار بگیریم. تذکر دهیم، توصیه کنیم، راهکار ارایه دهیم و حتی اگر موثر واقع نشد با صدای بلند نظراتمان را به گوش جامعه برسانیم اما در مسایل کم‌اهمیت‌تر یا آنهایی که مربوط به وضعیت خود اصلاح‌طلبان می‌شود، ترجیح می‌دهیم این وضعیت را تحمل کنیم و بار آن را بر دوش دولت نیندازیم تا در عرصه‌های دیگر زمین‌گیر نشـود و کارش دچار مشکل نشـود. به نظرم ما جنبه نقادانه خود را حفظ کرده‌ایم اما برای عنوان‌کردن نقدها به شرایط خاص زمانه و ظرفیت‌های دولت نـگاه می‌کنیـم و بر اسـاس آن تصمیم می‌گیریـم چگونه عمل کنیم

بیـش از دوسـال پیـش بـا شـما مصاحبه‌ای داشتم و در آن پرسـیدم حـال ایـن روزهایتان چگونه است؟ آن زمان شما پاسخ دادید حالتان بسیار خوب است. الان باز هم حالتان خوب است؟

خب مـا در دورانی بودیم که فشار زیاد بود که آدم به حداقل‌ها رضایت می‌داد...

الان تغییری ایجاد شده؟

الان توقـع بیشـتری داریم. به‌هرحال مردم کار بسیار بزرگی انجام دادنـد. تغییر و تحولی که در قـوه مجریـه صـورت گرفت بسیار مهم بود و به همین دلیل معتقدیم باید متناسب با این تغییر و تحول شاهد آثار رای مردم هم باشیم. الان هم حالمان خوب است، امیدمان هم به آینده خیلی زیاد است اما توقعمان از آن دوران بیشتر شده بنابراین اگر این توقع را در نظر بگیریم و وقتی به آنچه می‌خواهیم آنچنان که باید و شاید نمی‌رسیم کمی ناراحت می‌شویم.

پیشنهادی از سوی آقای منتجب‌نیا درخصوص جبهه واحـد اصلاح‌طلبان با محوریت آقایان هاشـمی و خاتمی مطرح شده است اما به نظر می‌آید کسی از این جریان خبر ندارد، آیا شما در جریان این جبهه واحد قرار دارید؟

مـن اطلاعـی از این جریان نـدارم. امـا به‌هرحال جبهه اصلاحات شناسـنامه خاص خود را دارد همه هم می‌دانند در این جبهه فعالیت‌ها، تلاش‌ها و هدف‌گیری‌ها چیست. حداقل در طول این هشت‌سال و به‌خصوص چهارسال گذشته و به‌ویژه در عرصه انتخابات اخیر، اصلاح‌طلبان تحولی عمده داشتند و این بود که به گفت‌وگوی بین خود و تکیه بر خردجمعی روی آوردند. درست اسـت که نماد اصلاح‌طلبی در برخی چهره‌ها تجلـی پیدا می‌کند و بین مردم هم نفوذ کلمه بسـیار زیادی دارند اما خود آن نمادها امروز بدون اتکا به آن خردجمعی وارد یک میدان نمی‌شـوند. این خردجمعی اصلاح‌طلبان است که باید به نتیجه‌ای برسد و این خرد در تعامل با همدیگر در قالب نشسـت‌ها، جلسـات و حتی ارتباطات مجازی مختلف وجود دارد. بنابراین امروز جریان اصلاح‌طلبی منحصر در چند چهره نیست و اینگونه نباید دید که اگر این چند نفر تصمیمی بگیرند همه‌چیز درست می‌شود، خود این شخصیت‌ها هم متوجه این موضوع شده‌اند که اگر به عقبه خود بی‌توجهی کنند و نظرات آنها را لحاظ نکنند، تصمیمات لزوما منجر به نتیجه مورد نظر آنها نمی‌شود. امیدوارم همه دوستان قدر این تحول در جریان اصلاح‌طلبـی را بدانـند و ارج بگذارند و به همه نهادهای موثر درون جریان اصلاح‌طلبی توجه کنند. طبعا همه شخصیت‌های اصلاح‌طلبی جایگاه خود را دارند.

البتـه تجربه نشـان داده که بحث سـهم‌خواهی تنها مختص اصولگرایان هم نیست. شما چگونه می‌خواهید مانع بروز این آسیب در میان اصلاح‌طلبان شوید؟

خوشـبختانه جریان اصلاح‌طلبی امروز جریانی است که توانایی و اثرگذاری خود را نشـان داده است. منکر این نیستم که در این طیف گسـترده اصلاح‌طلبی افرادی هم هستند که ممکن اسـت برای خدمت یا ابراز توانایـی خود یا حتی برای مسـایل شخصی دنبال این باشند که در مناصب مختلف قرار گیرند اما بدنه و محورهای اصلی جریان اصلاح‌طلبی امروز به هیچ‌وجه دنبال این قصه نیسـتند. باید یادآور شد به بسیاری از نیروهـا اصرار می‌شـد که منصبـی را در دولت قبول کنند و آنهـا نمی‌پذیرفتند و آنهایی هم که رفتند به خواسـته خود نبود بلکه برای تکلیفی بود که به آنها شـد. من این اطمینان را می‌دهم که هسـته اصلی اصلاح‌طلبـی و محورهایی که در جریان اصلاح‌طلبی هستند اصلا دنبال اینکه درون قدرت بروند و کسب مناصب کنند، نیستند. چراکه به جایگاه خود در جامعه واقف شـده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که درون قدرت‌رفتن اعتبار آنها را افزایش نمی‌دهد بلکه توان آنها برای ایجاد تحول اساسی در جامعه را کاهش می‌دهد. اگر عده‌ای هم دنبال وکیل و وزیرشدن هم باشند، آسیبی برای جریان اصلاح‌طلبی ایجاد نمی‌کند البته اگر کسی منتسب به جریان اصلاح‌طلبی باشد و ناتوانـی از خود بروز دهد در افکار عمومی خدشـه‌ای به این جریان وارد می‌کند.

پس چرا اصلاح‌طلبان فعالیت سیاسـی می‌کنند؟ آیا می‌خواهند «چشم سوم» و ناظر باشند؟

خیر! نمی‌گویم اصلاح‌طلبان نمی‌خواهند وارد قدرت شوند. ما معتقدیم اگر جامعه ما متحول و سازمان‌یافته و متشکل شود خود به خود اثر خود را خواهد گذاشـت اما اگر ما این نیروی خود را صرف تحول جامعه نکنیم، حالا یک ریاست‌جمهوری یا مجلس را بگیریم. اما تا جامعه تحول پیدا نکند خیلی راحت عناصر اصلاح‌طلبی هم کنار گذاشته می‌شوند. محورهای اصلی اصلاح‌طلبی به این موضوع واقف شده‌اند که اگر توانایی دارند باید آن را صرف جامعه خود کنند و از این طریق به تعداد کافی نیروی توانمند و کارآمد داشته باشند تا اگر خودشان هم وارد عرصه مدیریت نشدند این نیروها وارد شوند و کار کنند.

یعنی وارد فعالیت‌های مدنی یا کادرسازی می‌شوید؟

این هشت‌سـال یک توفیق اجباری بود که نصیب ما شد. وقتی که آرمان‌های خاص خود را دارید و شرایط فراهم نیست، طبیعتا ساکت نمی‌نشینید. نیرو را وقف جاهای دیگر می‌کنیم. این شرایط بود که اصلاح‌طلبان را به سمت جامعه هل داد.

برخی معتقدند بهتر است اصلاح‌طلبان در برهه کنونی وارد کارهای مدنی، از جمله تشـکل‌های غیردولتی شوند. آیا در یک سال اخیر اصلاح‌طلبان توانسته‌اند از این فرصت استفاده کنند و نهادهای غیردولتی را گسترش دهند؟

بخشـی از اصلاح‌طلبان آدم‌های سیاسـی‌ای هسـتند و می‌خواهند سیاست‌ورزی کنند. به نظر من این افراد نباید دنبال این باشـند که از پوشش کار «ان‌جی‌او» برای کارهای سیاسی استفاده کنند و اصلاح‌طلبان این کار را نکردند. اما بخش‌های قابل‌توجهـی از اصلاح‌طلبان به خصوص بدنه اصلاح‌طلبی که درون جامعه هست، به اهمیت سازمان‌یافتگی و تشکل واقف شده است. بنابراین بسیاری از جوانان و نیروهای تخصصی دنبال این رفته‌اند که «ان‌جی‌او»های تخصصی و کارآمد را سازماندهی کنند. در طول هشت سال گذشـته فضا این اجازه را نمی‌داد در طول یک سـالی که دولت اخیر روی کار است تا جایی که من اطلاع دارم، دوباره این تمایل رشـد کرده اسـت و کسانی که به کارهای مدنی معتقد هسـتند سعی کرده‌اند همفکر و هم‌صنف‌های خود را پیدا کنند و در قالب تشکل‌های مردمی اهداف خود را پیش ببرند.

انتخابات مجلس پیش‌رو اسـت و به نظر می‌آید برخی از الان فعالیت‌های انتخاباتی را آغاز کرده‌اند. در چهارسال گذشـته هم اصلاح‌طلبـان در دقیقه ۹۰ همیشـه تصمیم گرفته‌اند و کاری از پیش برنامه‌ریزی شده انجام ندادند. آیا در انتخابات مجلس می‌خواهید فضا را بسازید یا فضا شما را بسازد و منطبق با آن تصمیم بگیرید؟

اینکـه بگوییم اصلاح‌طلبان به انتخابـات فکر نمی‌کنند، حرف درستی نیست. به‌هرحال با هم جلسه دارند و صحبت می‌کنند، ارزیابی می‌کنند و خط‌مشی را روشن می‌کنند. اما اینکه سـازمان خاصی برای انتخابات تشکیل داده‌اند حرف درستی نیست. جریان اصلاح‌طلبی به گونه‌ای نیست که مثلا یک نفر دستور بدهد فلان ستاد را تشکیل بدهید و بگوید این هم کاندیداهای شما! (در جریان اصلاح‌طلبی) همه‌چیز باید از پایین بجوشد و بالا بیاید. من می‌دانم اکنون در شهرستان‌ها و جاهایـی که نیروهای اصلاح‌طلب وجـود دارند به این فکر افتاده‌اند که برای انتخابات چه کنیم؟ چه نیروها و برنامه‌هایی داشـته باشـیم؟ می‌دانم که این مطالعات را انجام می‌دهند. وقتـی این هرم شـکل می‌گیرد در انتخابات هم مشـخص می‌شود که اصلاح‌طلبان به چه شیوه‌ای وارد کار خواهند شد. مساله مهم این است که همه اصلاح‌طلبان به یک نتیجه مهم رسیده‌اند که در انتخابات آینده باید با یک استراتژی و حتی با یک فهرست وارد انتخابات شوند. به همین دلیل وقتی این موضوع را پذیرفته‌اند این را هم قبول کرده‌اند که نباید دنبال حداکثری‌ها باشیم. باید ببینیم محدودیت‌هایمان چیست تا بتوانیم با همدیگر تعامل داشته باشیم، این تعاملات در بدنه اصلاح‌طلبی شکل گرفته، تا همدیگر را بهتر درک کنند و بهتر خواسـته‌های همدیگر را بشناسند و در پایان با تجربه‌ای که از انتخابات سـال ۹۲ داریم مطمئن هستم که نتیجه خوبی خواهیم داشت.

بـه نظر می‌آید احمدی‌نـژاد و اطرافیانش هـم در این مدت فعال شـده‌اند. به نظر شما واکنش اجتماعی و البته اصولگرایان نسبت به بازگشت احمدی‌نژاد چیست؟

اینکه آقای احمدی‌نژاد فعالیت کند یا تشـکیل سـازمان دهد، حق‌شان است. ما نباید بگوییم چرا کسی یا طیفی فعالیت می‌کند. اما حق داریم مطالعه و بررسی کنیم چرا چنین اتفاقی می‌افتد. احمدی‌نژاد دارای تفکری است که در میان گروه‌های درون انقلاب و نظام با هیچ‌کسـی همخوانی ندارد. به نظر من آقای احمدی‌نژاد برنامه یک ساله برای انتخابات مجلس ندارند، بلکـه برنامه‌ای طولانی‌مدت دارند کـه باید دید چه اهدافی را دنبـال خواهند کرد، به نظر من آقای احمدی‌نژاد جز در میان قشرهای خاصی از جامعه پایگاه اجتماعی ندارد. باید فکر کنیم که می‌خواهند چه کار کنند؟ آیا می‌خواهند جمعیت نخبه‌گرای بسته‌ای را تشکیل دهند؟ آیا می‌خواهند فرقه‌ای را سازمان‌دهی کنند؟ فعالیت‌های‌شان را در کارهای اجتماعی متمرکز کنند؟ تا اعتبار را به دست بیاورند؟ کسانی که پایگاه اجتماعی ندارند اگر بخواهند به‌دنبال سازمان بروند، خطرات زیادی خودشان و جامعـه را تهدید می‌کند. تا حالا هم به‌صورت رمزی و سـری کارهای خود را انجام داده‌اند. از سویی می‌گویند خبری نیست و برنامه‌ای ندارند و از سـویی دیگر اخباری می‌رسـد که این گسترش‌های سازمانی و تشکیلاتی را دارند. امیدوارم کاری که می‌خواهند انجام دهند شفاف و روشن باشد، همه ما باید از حق همه افرادی که می‌خواهند فعالیت سیاسی کنند دفاع کنیم اما قانون‌مدار شناسنامه‌دار و خیلی شفاف و روشن.

دولت روحانـی قبل از انتخابات بر حقوق شـهروندی تاکید بسیاری داشت و پس از آن هم پیش‌نویس منشوری برای این حقوق تدوین کرد که به‌گفته کارشناسان در برخی بخش‌ها حتی از قانون اساسی هم عقب‌تر بود. اما بحث آن رها شد، به‌هرحال انتقاداتی وجود داشت اما دولت به صرف این انتقادات نباید آن را رها می‌کرد. اما عملا می‌بینیم دیگر هیچ حرفی از آن به میـان نمی‌آید. چرا دولت این مبحث را رها کرد؟

حقوق بشـر امروز یک مسـاله خارجی نیسـت. به خاطر گسـترش ارتباطات حقوق بشـر با هر تفسیری یک خواسته داخلی اسـت، حقوق بشر که فقط یک مساله سیاسی نیست. وقتی مردم در مسـکن، معیشـت، آموزش و بهداشت مشکل دارند و دچار کمبود هستند، این مطالبات و خواسته‌ها را صریح می‌گویند. برای این خواسته‌ها سازمان تشکیل می‌دهند و کار می‌کنند. مشکل ما در حقوق بشر قانون و نوشته نیست، مگر سندی بالاتر از قانون اساسی داریم؟ مگر در این سند صریح‌تر از فصل سوم که حقوق ملت را برشمرده، چیزی می‌توان گفت؟ زمانـی که ما در مجلس بودیم و آقای شـاهرودی رییس قوه قضاییه بودند ایشان بخشـنامه‌ای را درباره همین موارد ابلاغ کردند، چه اتفاقی افتاد؟ یادم است همان زمان ما خدمت آقای شاهرودی بودیم و خود ایشان گلایه می‌کردند، می‌گفتند که دختر جوانی سوار ماشـین بود و تصادف کرده است. بازپرس بـرای وی حکم بازداشـت و زندان داده بود. آقای شـاهرودی تعریـف می‌کرد من به بازپرس گفتم می‌دانی این زندان یعنی چه؟ الان این دختر را به چه بندی می‌برند؟ خود ایشـان هم این مسـایل و مشکلات را می‌دانست. من فکر می‌کنم مساله حقوق شهروندی خیلی عمیق‌تر از این است که با یک لایحه و قانون حل شود. به نظر من دولت برای اعمال حقوق شهروندی باید وارد تعامل سـازنده با قوای دیگر شـود. از سوی دیگر، در قانون اساسی شخص رییس‌جمهوری اختیاراتی دارد. البته ما این موضوع را در زمان آقای خاتمی هم می‌گفتیم، در آن زمان وقتی آقای خاتمی می‌خواست اختیارات ریاست‌جمهوری را به مجلس ارایه دهد، ما می‌گفتیم شما اختیاراتی دارید همین‌ها را عملی کنید، البته ایشـان در بعضـی اوقات از این اختیارات استفاده می‌کرد، تذکر و اخطار می‌داد. معتقدم رییس‌جمهوری از اختیاراتش برای حقوق شهروندی استفاده کند. چرا استفاده نمی‌کند؟ اگر نخواهد از این اختیارات استفاده کند خب قانون و منشور بعدی هم که تصویب شود، از آن هم استفاده نمی‌کند. به نظرم کارهای جدی‌تری از فقط نوشتن و تصویب قانون باید انجام شود و امیدوارم به این مسایل توجه شود.

به نظر می‌آید پس از روی‌کارآمدن آقای روحانی آرایش نیروهای سیاسی تغییر کرده‌اند، شما این تغییرات را از چه منظری می‌بینید؟

در جریان اصلاحات یا سـازمان‌های اصلاح‌طلب ما شاهد انسـجام خیلی خوبی هستیم. یعنی انسـجامی که از قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری ایجاد شده بود، به همان قوت باقی اسـت. اهداف و اسـتراتژی یکی اسـت در تاکتیک‌ها خیلی راحت می‌شـود به وحدت نظر رسید. تمام تلاش ما این است که انسجام‌مان را حفظ کنیم. البته در قسمت قبلی هم گفتم این انسـجام به خاطر جوشـش از پایین بوده یعنی اگر سران جریان اصلاح‌طلبی به حال خود واگذاشـته می‌شدند، معلوم نیست که می‌توانسـتند به اتفاق نظر خوب برسند، اما وقتی از پایین جوشـید و همه نظرات خـود را مطرح کردند، تدبیر و خردورزی که در راس اصلاحات وجود دارد هم سـبب شـد همه انرژی‌ها در یک مسـیر قرار بگیرد. حتی الان از انتقاداتی که از حمایت اصلاح‌طلبان و شـرکت آنان در انتخابات مطرح می‌شود نباید حذفی برخورد کرد. باید اجازه داد افکار و ایده‌ها ابراز شـود و در یک فضای سالم گفت‌وگو، بحث شود و طبعا برآیند آن هرچه باشـد، اگر بدنه اصلاح‌طلبـی به این برآیند برسـد، جریان اصلاح‌طلبی هم همان کار را انجام خواهد داد. اتفاقا یکی از نقشـه‌های اصلی که مخالفان اصلاحات و دولت دارند، جدایی‌انداختن و تفرقه بین بدنه و دولت اسـت، یعنی دامن‌زدن به توقعات و انتظارات و مطالبات و القای این موضوع که دولت روحانی نتوانسته حتی خواسته‌های همراهان خود را برآورده کند. این خط را می‌توان به‌وضوح در سایت‌هایشان دید. برای مثال اگر من در گوشه‌ای یک انتقادی از دولت کنم تیتر می‌زنند، آغاز جدایی اصلاح‌طلبان از دولت! نه اینگونه نیست. باید مواظب باشیم در این دام نیفتیم. به همین دلیل است که می‌گویم ما به‌عنوان فعالان سیاسـی باید گذشتمان بیشتر از مردم باشد، مردم به‌خاطر مشکلات اقتصادی نمی‌توانند گذشت داشته باشند و نباید هم گذشت کنند اما ما باید تحملمان بیشتر باشـد تا فشار بیشـتری به دولت نیاید و از کارهای اصلی‌اش بازبماند. اما در طرف مقابل حادثه عجیبی اتفاق افتاده است. این شکاف و اختلافات جدی که در آنها ایجاد شده، اینکه مثلا آقای ولایتی و قالیباف و حداد که همه موضع‌گیری‌شان و تفکرشان یکی بود نتوانستند با هم پیش بروند و ائتلاف کنند واقعا جالب توجه است. ما گمان می‌کردیم بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری آنها درس عبرت می‌گیرند اما نه‌تنها عبرت نگرفتند که اختلاف در آنها بسـیار شـدیدتر و عمیق‌تر شده اسـت. ما نمی‌دانیم باید خوشـحال باشیم یا ناراحت! چون به‌هرحال وقتی تنش و اختلاف زیاد می‌شود، رادیکالیسم هم بیشتر می‌شود و همه از این ضرر می‌بینند، ما شاهد پیشرفت و رشد رادیکالیسم کور در جریان اصولگرا هستیم که فقط به خودشان ضربه نمی‌زنند بلکه به همه آسیب می‌زنند.

ادامه در صفحه ۱۳

آینه

جمهوری اسلامی

سرمقاله: «باغ به جای شوره‌زار»

[با انتقاد از محتوای سـخنان علم‌الهدی خطیب جمعه مشـهد درباره وزیر ارتباطات] تاسـف بالاتر این اسـت که این ادبیات، عرصه سیاسی کشـور ما را به شوره‌زار فحش و تشـر تبدیل کرده و همین وضعیت موجب شده بسیاری از مردم به‌ویژه جوانان از محافل مذهبی فاصله بگیرند. به نماز جمعه‌ها و کاهش تدریجی شرکت‌کنندگان در آن بنگرید و به رسانه‌های مجازی که میدان گسترده اظهارنظر جوانان است سری بزنید و ببینید که واگرایی چگونه درحال گسترش است.

اعتماد

یادداشت: «من دلواپس چه‌چیزهایی هستم»؛ صادق زیباکلام

هیچ‌کسی به اندازه من از تشکیل همایش «دلواپسی» در سـفارت آمریکا به وجد نیامد... نمی‌شود که منتقدان سیاسـت‌های هسـته‌ای دولت قبلی را به اتهام «تشویش اذهان عمومی» و «تبلیغ علیه نظام» به دادگاه احضار کنیم اما به مخالفان سیاست‌های هسته‌ای آقای روحانی نشان ذوالفقار و شـیر و خورشید هم بدهیم. اگر قرار است چراغ برای نقد برنامه‌های هسته‌ای سبز شود و سبز بماند و بتوان برنامه‌های هسـته‌ای را نقد کـرد، در آن صورت نمی‌توان گزینشـی برخورد کرد. اگر «دلواپسـی»چی‌ها نگران آن هستند که در نتیجه کاهش سرعت برنامه‌های هسته‌ای‌مان و توافق با غرب به مملکت ضرر و زیان وارد خواهد شـد و به آنها این حق باید داده شـود که انتقاد و اعتراض‌شان را بنمایند، در آن صـورت چرا اگر صادق زیباکلام‌ها معتقد بودند که اتفاقا به‌واسطه افزایش سر